

یل مازندران، قهرمان ایران

درباره حسن یزدانی، یکی از پرافتخارترین کشتی گیران جهان با ۹۶مدال جهانی و المپیک به مناسبت بیست‌ونهمین زادروزش

پس از او دیوید تیلور با ۵۹۵هزار دنبال کننده و بعد امیرمحمد یزدانی و امیرحسین زارع با ۳۴۹ و ۳۲۸هزار دنبال کننده به ترتیب در رده های دوم تا چهارم قرار گرفته اند.

یزدانی، کشتی را با عضویت در تیم ملی نوجوانان ایران به طور حرفه ای دنبال کرد و در نخستین سال شرکت در مسابقات قهرمانی نوجوانان آسیا موفق به دریافت مدال برنز در وزن ۵۰کیلوگرم شد. سپس در سال ۹۲در دسته ۶۶کیلوگرم خود

را به مسابقات قهرمانی جوانان آسیا و بعدتر جوانان رساند. با ورود به رده سنی بزرگ سالان

شرایط به یک باره تغییر کرد و به قول خودش: «از بچگی در جویبار هم که تمرین می کردیم، با همه فنون آشنا شده بودیم. اما تیم بزرگ سالان چیز دیگری است. به تیم بزرگ سالان که می آیی، یکهو همه چیز سخت تر می شود...، او هرچند در ابتدا با شکست ختاگ تسابولوف (قهرمان وزن ۷۰کیلوگرم جهان) در لیگ برتر کشتی ایران، خبر از تولد ستاره ای تازه در آسمان کشتی ایران می داد. اما نخستین دوره جام باشگاه های جهان را در دسته ۷۰کیلوگرم با رتبه پنجم به پایان برد.



با این حال یک سال بعد موفق شد نخستین طلای جام جهانی خود را در لس آنجلس به دست آورد و دو سال پیاپی نیز در وزن ۷۴و ۸۶کیلوگرم این افتخار را تکرار کرد. حسن یزدانی، اولین بار تشک کشتی المپیک را در سال ۲۰۱۶تجربه کرد و در همان بار نخست، با مدال طلا به ایران برگشت و بعدها آن را با افتخار به آستان قدس رضوی تقدیم کرد.

از المپیک توکیو، ۲۰۲۰نیز مدال نقره ای رنگش از آن او شد و حالا حسن یزدانی در سن بیست و نه سالگی، سه مدال طلا، سه مدال نقره و یک مدال برنز از مسابقات قهرمانی جهان دارد و سه مدال طلا نیز یادگار حضور او در جام های جهانی است.

او که هر بار بازی های آسیایی را با مدال های خوش رنگ طلا تجربه کرده است، حالا خود را در شرایطی سخت مهبای حضور در المپیک پاریس می کند و پس از مصدومیت از ناحیه کتف، انجام جراحی سنگین و فیز یوتراپی های مستمر، خبر رسیده اگر همه چیز طبق برنامه پیش برود، همه چیز برای درخشش دوباره او بر تشک کشتی رقابت های المپیک آماده است.

به این ترتیب رقیب سرسخت و قدیمی او، دیوید تیلور بار دیگر خود را مهبای رویارویی با «صاحب الدوله کشتی ایران» می کند. کسی که با افتخارات و حضور درخشان خود در عرصه کشتی آزاد، هزاران جوان ایرانی را شیفته این ورزش و منش پهلوانی اش کرده است.

پهلوانی چیست؟

جای/ هفت اورنگ

در رهی می گذشت پیغمبر..... با گروهی ز دوستان همبر
دید قومی گرفته تیشه به دست گرد سنگی بزرگ کرده نشست
گفت کین دست و پا خراشیدن چیست وین سنگ را تراشیدن
قوم گفتند ما جوانانیم زور ندان و پهلوانانیم
چون به زور آوری کنیم آهنگ هست میزان زور ما این سنگ
گفت گویم که پهلوانی چیست مرد دعوی پهلوانی کیست
پهلوان آن بود که گاه نبرد خشم را زیر پا تواند کرد
خشم اگر کوه سهمگین باشد پیش او پشت بر زمین باشد

چکامه

آشیشال*

ساکنان غریب یک شهرک

«ما توی یک شهرکیم، اینجا برای مایک شهرک بزرگ و آباد ساخته اند، کلی درخت میوه دارد، کلی حوض و جوی آب و امکانات کامل، یک مسجد بزرگ و خوشگل هم دارد شهرکمان، یک وقت هایی سیدی نورانی می آید و برایمان حرف می زند و روضه می خواند.

خانه هایمان یک جوری است که انگار شراکتی است، یعنی ساکنان شهرک همیشه آمادگی این را دارند که هر کس اراده کرد یک یا... بگوید

و برود مهمان یکی از واحدهای شهرک بشود. ولی در این میان فقط یک چیز اذیتمان می کند و همه لذت زندگی در این شهرک را زهرمانمان می کند.

هر روز غروب بعد از نماز مغرب و عشاء صدایمان می کنند و مأمورهای انتظامات شهرک یک لیوان آب نمک تلخ و خیلی شور را مجبورمان می کنند بخوریم. بالای سرمان می ایستند و تا نخوریم از کنارمان جم نمی خورند!

هر چه می گوئیم نمی خوریم می گویند باید بخورید! کس و کارتان فرستاده اند و باید سر بکشید. این لیوان آب نمک همه لذت زندگی در

شهرک را می شوید و می برد. تا ساعت های زیادی طعم تلخش توی دهانمان است و دل و روده مان را به هم می ریزد و مدام عق می زنیم. شمارا به خدا برای ما گریه نکنید. ما جایمان خوب است، این اشک های شما را لیوان لیوان جمع می کنند و برایمان می فرستند و مجبوریم اطاعت کنیم.

شمارا به خدا برای ما گریه نکنید. اگر یادمان می افتید به حسین و بیچه هایش، به کاروان اسرای مظلومش، به غربت و تشنگی اش فکر کنید و اشک بریزید. این اشک ها یک قطره اش بوی همه عطر فروشی های جهان را می دهد و طعمی می دهد که انگار دشت دشت زعفران و کندو کندو عسل را به هم آمیخته اند و توی بشقابی طلا جلویمان گذاشته اند. برای حسین گریه کنید،

صبح جمعه بود که با فریاد های مادرم از خواب پریدم. گسل شانه هایش فعال شده بود از حق هق و بند نمی آمد سیلاب اشکش، حمیده خواهرم انگشتش طلا در آب انداخت و به

خوردش دادیم. سر مادرم را بغل گرفتیم و شقیقه های خاکستری اش را آرام نوازش کردم. نفسش که جا آمد، حضورش را در جهان کالبدی ما که کشف کرد شروع کرد به تعریف.

گفت چهل عاشورا و پشت بندش علقمه با صدلعن و سلام نذر کردم که از آن ور خبری بگیرم. ببینم رفته هایمان چه می کشند، کجایند. خدا چگونه با هاشان حساب کتاب کرده و این خواب را دیدم. بخش اول این یادداشت واوبه واو خوابی بوده که مادرم پس از چله اش دیده بود و خاطرش جمع بوده که جایشان خوب است.

البته که خواب حجتی برای عموم نیست و به کاروان اسرای مظلومش، به غربت و تشنگی اش فکر کنید و اشک بریزید. این اشک ها یک قطره اش بوی همه عطر فروشی های جهان را می دهد و طعمی می دهد که انگار دشت دشت زعفران و کندو کندو عسل را به هم آمیخته اند و توی بشقابی طلا جلویمان گذاشته اند. برای حسین گریه کنید،

صبح جمعه بود که با فریاد های مادرم از خواب پریدم. گسل شانه هایش فعال شده بود از حق هق و بند نمی آمد سیلاب اشکش، حمیده خواهرم انگشتش طلا در آب انداخت و به

*به لهجه مردم کویر، به سبزه روئیده بر دوطرف جوی آب می گویند

● روزنامه فرهنگی- اجتماعی- اطلاع رسانی صاحب امتیاز: سید مهدی مشهد ● مدیر مسئول: سید میثم موسوی مهر سردبیر: سید مسعود طالع هاشمی ● نشانی: خیابان کوهسنگی، ابتدای کوهسنگی ۱۵ ● دفتر مرکزی: ۰۵۱-۳۷۲ ۸۸۸۸ ۱-۵ ● نمایر: ۰۵۱-۳۸۴۹۰۳۸۴ ● روابط عمومی: ۰۵۱-۳۸۴۸۳۷۵۲-۳ ● شماره پیامک: ۳۰۰۰۷۲۸۹

Mashhadchehreh.ir

Photoshahr.ir



ميثاق نامه اخلاق حرفه اي



دمای هوای مشهد	۵۸٪	۱۵°	۴° ↑	۱۲° ↓
صبح ۳	ظهر ۱۲	شب ۷		
عصر ۱۱				

- اذان ظهر ۱۱:۳۱:۵۷ نیمه شب شرعی ۲۲:۴۶:۳۵
- غروب آفتاب ۱۶:۲۴:۴۳ اذان صبح فردا ۰۵:۱۰:۵۰
- اذان مغرب ۱۶:۴۳:۱۲ طلوع آفتاب فردا ۰۶:۴۱:۱۱

کارتون شهر



تعدادی از ساختمان های مهم کشور در برابر زلزله ایمنی ندارند



مجید ادیبی

شوخی بی شوخی

رسید مژده که آلودگی نخواهد ماند!

به تکالیف خود در راستای اجرای قانون هوای پاک عمل نکنند مطمئن باشند که اسامی سازمان آن ها اعلام خواهد شد.

واقعا؟ اسامی سازمانشون اعلام میشه! چرا این قدر بهشون سخت می گیرن. خب کارمندانجا گه خانمش بفرمه توی سازمانی کار می کنه که به قانون هوای پاک عمل نمی کنه تو خونه راهش نمیده که، میگه برو هر وقت سازمانتون به قانون هوای پاک عمل کرد برگرد خونه.

تازه اگر کارمندان این سازمان پسر دم بخت هم داشته باشند هر جابرن و خانواده دختر بفهمند که بابای پسره کجا کار می کنه بهشون دختر نمیدن، میگن مگه مادخرمون رواز سر راه آوردیم که به کسی بدیم که باباش توی سازمانی کار می کنه که به تکالیف خودشون در راستای قانون هوای پاک عمل نمی کنند.

واقعا که سخته. من حاضرم خودم روزانه خیلی بیشتر از این حرف ها ذرات معلق و عناصر خطرناک موجود در هوارواستنشاق کنم ولی چنین مجازات سختی برای این جور سازمان ها اعمال نکنند.

حالا زیاد فکر نکن، بیابیم بیرون یک مقدار هوای آلوده تنفس کنیم. جوری که سازمان محیط زیست سخت گرفته شک نکن دیگه از این هواهای آلوده نخواهیم داشت!

اولی به دومی گفت: رئیس سازمان محیط زیست گفته است به زودی با معاونت اجرایی رئیس جمهور و معاون اول رئیس جمهور در قالب ستاد هوای پاک جلسه خواهیم داشت، بعد از آن اگر دستگاه ها به تکالیف خود در راستای اجرای قانون هوای پاک عمل نکنند مطمئن باشند که.... دومی گفت:

● واستا بقیه شو من حدس بزنم.

● بگو

● حتما گفته اگه به قانون هوای پاک

عمل نکنند کارمندان این سازمان هایک

هفته حقوق ندارند؟

● نه از این هم بدتر.

● اگه عمل نکنند یک ماه حقوق ندارند؟

● نه بابا خیلی بدتره.

● پس حتما گفته اگه عمل نکنند یک

سال مجانی و بدون حقوق کار کنند؟

● نه، برخورد خیلی وحشتناک تر در

نظر بگیر.

● حتما گفته اگه عمل نکنند مطمئن

باشند از کار برکنار خواهند شد.

● نه بابا، این ها چیه میگی، خیلی بدتر

از این حرف ها.

● یعنی اگه به قانون هوای پاک عمل

نکنند چی میشه؟ من دیگه طاقت ندارم

ببینم چه برخورد جدی قراره با هاشون

بشه. زود باش بگو.

● باشه. آقای سلاجقه گفته اگر دستگاه ها